

توصيه به ويس ناصري و سپاس از جناب اسدالله رويين

برادر بزرگوارم جناب رويين صاحب!

از مقاله ی خیلی علمی شما جهان سپاس. خداوند (ج) زحمات شما را در رابطه با روشنگری افراد نا آگاه از اسلام عزیز در حسنات شما محسوب نماید. بنده که نه نویسنده ام و نه هم از اسلام عزیز آگاهی زیادی دارم ولی بحثها و مقالات علمی را در سایت ها و تلویزیون های افغانی و ایرانی پیرامون اسلام عزیز و قضایای سیاسی کشور به دقت کامل تحقیق مینمایم. در اکثر موارد خصوصاً زمانی که افراد ناآگاه از اسلام ناآگاهانه تیشه به ریشه میزنند در حالیکه این افراد هدفی جز از شو و تظاهر چیزی دیگری ندارند، بنده خیلی به احساسات آمده در همان لحظه از خداوند(ج) آرزو میکنم که ای کاش خداوند(ج) به تو فهم کافی اسلامی و توانایی قلمی را اعطا مینمود تا به این برادر ناآگاه جواب دندان شکنی ارایه مینمودی. ولی خدا را شکر گزارم که شما قلم را به دست گرفتید و درد دل ما را با قلم توانای تان دوا کردید. طوریکه میدانید یکتعداد از مردم بخاطر کسب شهرت از همه ارزشهای معنوی میگذرند. آقای ویس ناصری را میتوان از همان قماش شمرد که به هر قیمت که باشد او باید شهرت پیدا نماید. کسانیکه از ویس ناصری شناخت دارند این مطلب را تصدیق خواهند نمود که موصوف در زمان جهاد مقدس دهه ی هشتاد یکی از اعضای افراطی جمعیت اسلامی به رهبری استاد برهان الدین ربانی در آلمان بود. و تا که میتوانست به جناب استاد چالپوسی مینمود. زمانی که در تقسیم قدرت کسی به ویس ناصری بیچاره که یک دهه ی عمرش را در مداحی و دستبوسی گذرانده بود چیزی نداد همان بود که آقای ویس ناصری تا که توانست راست و دروغ را یکی نموده علیه استاد و برادران جمعیتی اش تبلیغات سؤ نموده و تا که توانست نمک حرامی نمود. طوریکه شما هم در مقاله ی تان اشاره نموده اید هدف آقای ناصری این نبود که به ملازده صدمه ی برساند بلکه ایشان میخواستند که با تبلیغات خصمانه شان از آقای خطاب انتقام کشیدندش را از تلویزیون پیام افغان بگیرند طوریکه ما شاهد هستیم که زمانی آقای ناصری بعد از اینکه توسط آقای مسکینیار از تلویزیون آریانا افغانستان کشیده شد تا حد توان به مسکینیار و همکارانش توهین نمود. در این رابطه میتوان به آرشیف صفحه آزمون ملی مراجعه نمود این تبلیغات به پیمانته ی رسید که مسکینیار تصمیم گرفت بخاطر نجات از این بلا با او دوباره پیمانی ببندد. همان بود که جناب ناصری دوباره به مداحی مسکینیار پرداخت اینبار خطاب و برنامه های تلویزیونی اش را مورد تبلیغات نا روا اش قرار داد. جناب ملازده که بدون شک یک عالم بزرگ و یک مبلغ توانا بوده در حقیقت قربانی مداحی ویس ناصری شده است. من باور کامل دارم که آقای ناصری حتی یک برنامه ی ملازده را هم ندیده و نه هم گوش نموده است.

اینکه آقای ناصری امروز علیه خطاب و فردا هم شاید دوباره علیه مسکینیار به دروغبافی بیپردازد مربوط خودش است. اما زمانی که میخواهد شخصیت های مسلمان و برنامه های اسلامی را مورد تبلیغات ناجایزش قرار بدهد باید که نویسنده های مسلمان قلم بدست گرفته و همچو یک عمل زشت را محکوم نمایند، چنانچه برادر بزرگوارما جناب رويين صاحب با جملات زیبا و با استناد از آیات کلام الله مجید در نوشته شان خدمت بزرگی را انجام داده اند. توصیه ما به ویس ناصری اینست که دست از ریاکاری و تظاهر گرفته و استغفار نمایند اگر استعانت میجویند فقط از خالق یکتا بجویند. اگر از اسلام بی خبر است این کدام عیبی نیست، ولی اگر در حالت بی خبری از دین در مسائل دینی ابراز نظر مینمایند به نظر من این عمل شان یک گناه است. آقای ناصری در برنامه هایش بعضی اوقات از داعیه جهاد دفاع نموده و در بعضی موارد هم خود را یک مسلمان خوب مینماید. اگر این ادعا های ناصری صاحب حقیقت داشته باشد، پس باید او کوشش نماید که در وصل نمودن مسلمانان نه در فصل نمودن شان دست به کار شود.

بی جا نخواهد بود که چند کلمه ی را خدمت برادران و خواهران اهل تشیع افغان خود نیز به عرض برسانم. شما میدانید که برادران و خواهران تشیع و تسنن در افغانستان همیشه در یک فضای برادری دوشادوش همدیگر زندگی نموده اند. ولی با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور همسایه ی ما ایران که تقریباً چند ماه بعد از کودتای خونین هفت ثور بوقوع پیوست و چند ماه بعد هم نیروهای اشغالگر شوروی به کشور ما تجاوز نمودند، همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه بین شیعه و سنی را نه تنها در کشور ما بلکه در همه کشور های اسلامی که شیعه ها و سنی ها با هم در یک فضای صلح آمیز زندگی میکردند نا ممکن ساختند و تا که توانائی داشتند، دست به توطئه زدند و این فضای صلح آمیز را متشنج ساختند. مردم مظلوم افغانستان که از ظلم و قساوت کمونستان افغانی و باداران شوروی شان دیگر به ستوه آمده بودند کشور را ترک نموده و به کشور های همسایه پاکستان و ایران مهاجر شدند. طوریکه همه و طنادران میدانند تعداد این مهاجرین به ملیونها مهاجر میرسید. در رابطه با مهاجرین افغان در پاکستان و مشکلات شان در آنکشور نمیخواهم در این نوشته کوتاه چیزی بنویسم. اما در رابطه با مهاجرین افغان در ایران میخواهم

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

خدمت شما به عرض برسانم که اکثریت مهاجرین در ایران را برادران و خواهران اهل تشیع و بالخصوص برادران هزاره تشکیل میداد. برادران مهاجر ما در ایران به این باور بودند که گویا در ایران انقلاب اسلامی آمده و جمهوری اسلامی حتماً از حقوق شان به دفاع خواهد پرداخت ولی هنوز مدت نگذشته بود که مهاجرین به شعار های میانتهی آخوند های ایران پی بردند. جمهوری اسلامی باوجود همه مظالم حکومت کمونستی بالای مردم مظلوم افغانستان و با وجود که هر روز میدیدند که افغانها جوقه جوقه به کشور شان مهاجر میشوند با حکومت دست نشانده در کابل رابطه حسنه داشتند. مهاجرین شیعه افغان باوجودیکه از دل و جان از جمهوری اسلامی دفاع مینمودند و با وجودیکه در جنگ عراق بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی به هزار ها جوان افغان خود را قربانی کردند ولی با کمال تأسف این همه خوشبینی ها و قربانی ها جای را نگرفته افغانهای مهاجر در ایران تنها که توسط رژیم این کشور بلکه توسط مردم ایران نیز همه روزه توهین، تحقیر یا زندانی یاهم به زور از سرحد ایران خارج میشدند. وطنداران که بر نامه خانم سحبه را در تلویزیون آریانا افغانستان مشاهده نموده باشند، حتماً از داستانهای غم انگیز مهاجرین افغان شنیده اند. بلی داستانهای که قلب هر انسان را جریحه دار میکند. به گونه مثال مهاجر در ایران به خانم سحبه در برنامه اش که زنده پخش میشد داستان یک مهاجر افغان در ایران را چنین بیان کرد:

«مهاجر اضافه از دو دهه در ایران زندگی میکرد با وجود دو دهه زندگی در ایران نه اجازه کار و نه هم اجازه اقامه در این کشور را داشت ولی با شهامت افغانی که داشت همیشه کار میکرد البته کارش سیاه و خیلی شاقه بود. موصوف صاحب دو طفل بود. خانمش امیدوار و به انتظار طفل سوم شان روز شماری مینمودند. هر روز که شوهرش خانه را به قصد کار ترک میکرد، اعضای فامیل از برگشتن پدر به خانه مطمئن نبودند. این همان روز های بود که رژیم ایران افغانها را هر جای که دستگیر مینمود به اصطلاح خود شان خارج مرز مینمودند. این مهاجر افغان طبق معمول هر روز خانه را به قصد کار ترک مینمود. در مسیر راه به کار پاسداران ایران او را دستگیر نموده بعد از چند روز بازداشت موصوف را به مرز افغانستان رسانده و او را مثل هزاران مهاجر دیگر افغان در دشت های سوزان رها مینمایند. پاسداران رژیم باوجود پافشاری مهاجر افغان که به بسیار عذر و زاری میگفت که خانمش امیدوار است و امروز و فردا ولادت خواهد کرد، اما پاسداران بی رحم به داد و فریاد این مهاجر مظلوم هیچ توجه ی نمودند. مهاجر مظلوم بالاخره بعد از سه هفته رنج ها بخاطر نجات فامیلش دوباره به خانه اش برمیگردد. (اینجا قابل یادآوریست هر روزی که مهاجر افغان خانه اشرا ترک مینمود خانه را از ترس پاسداران از بیرون قفل مینمود) و وقتی که خانه را باز مینماید، میبیند که همه اعضای فامیلش از گرسنگی جان داده اند.»

بلی این شمه از مظالم مقامات ایرانی بالای مهاجرین افغان بوده که داستانش توسط مهاجر افغان تقریباً یکسال پیش در برنامه سحبه قصه شده است.

برادران اهل تشیع افغان باید اینرا بدانند که رژیم آخوندی ایران ببرد شان نمیخورد. همه شاهد بودیم که در جنگ های خانمانسوز ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ رژیم جمهوری اسلامی تا توانست گروپ های وابسته به خود شانرا حمایت نموده و به جنگ ها به نام های مختلف دامن زدند. حتی زمانی اگر گروپی تحت حمایت شان نمیخواست در جنگ برادر کشی اشتراک نماید، دیگر از حمایت شان برخوردار نمیبود و آن گروپ را دشمن خود میدانست. در این رابطه میتوان از جنگ های خونین بین گروپهای مزاری و اکبری نام برد، در حالیکه هر دو گروپ از اهل تشیع بودند.

خلاصه برادران تشیع افغان نباید در وقت صحبت های داکتر ملازاده خود را طرف قرار میدادند. جناب ملازاده هرگز به تشیع توهین ننموده اند، بلکه ایشان زمامداران جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داده اند، همان زمامداران که با شما مهاجرین افغان برخورد غیر اسلامی و غیر انسانی مینمودند و مینمایند. همچنان جناب ملازاده سنی و شیعه را از بدعت و خرافات پرستی به طرف توحید و یکتاپرستی دعوت میدهد. امید وارم که مصاحبه اخیر (۳۱،۱۲،۹) ملازاده صاحب را با برنامه امت وسط در تلویزیون آریانا افغانستان همه برادران شیعه و سنی به دقت شنیده باشند، من امید وارم که سوء تفاهم های که در رابطه با اهل بیت و حضرت علی (رض)، حضرت امام حسین (رض) و غیره شخصیت ها رخ داده بود رفع شده باشد.

همچنان در اینجا بیجا نخواهد بود که از جناب مسکینیار صاحب هم ابراز تشکری نمود که زمینه مصاحبه را برای داکتر ملازاده مهیا نمودند. ایشان با این عمل شان ثابت ساختند که واقعاً به آزادی بیان معتقداند.

به امید وحدت همه مسلمین در سرتاسر جهان

پایان